

استاد دکتر گرجی و دو کتاب «آیات الاحکام» و «تصحیح الذریعة الی اصول الشریعة»

عباس همای^۱

حامد علی اکبرزاده^۲

چکیده

استاد مرحوم آیه الله دکتر ابوالقاسم گرجی از مفاخر علمی معاصر کشور و از جایگاهی رفیع در جامعه علمی دانشگاهی و جزوی برخوردار بود. وی در عرصه حوزوی به واسطه پشتوانه قوی علمی که در نجف اشرف و از محضر اساتیدی چون مرحوم آیت الله خویی کسب کرد، مجتهدنی مسلم و صاحب نظر به شمار می آمد و در عرصه دانشگاهی نیز استادی کم نظیر در حوزه الهیات و فقه و حقوق و ادبیات محسوب می گشت. معرفی آثار این استاد دانشمند بی تردید خدمتی به جامعه علمی کشور است، از همین رو در این مقاله دو اثر «آیات الاحکام» و «الذریعة الی اصول الشریعة» که این دومی توسط استاد تصحیح و تعلیقه نویسی شده، معرفی و روش کار آنها تبیین گردیده است.

۱- مقدمه - زندگی نامه علمی استاد

استاد ابوالقاسم گرجی به سال ۱۳۰۰ شمسی در تهران متولد شد. وی پس از تحصیلات ابتدایی به آموزش علوم حوزوی روی آورد و به تحصیل علمی نظیر صرف، نحو، منطق، معانی، بیان، فقه و اصول و قدری فلسفه و عرفان پرداخت.

۱- استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

۲- فارغ التحصیل کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

مهمترین اساتید وی در علوم ادبی آقا سید محمد قصیر، شیخ محمدحسین بروجردی و در فقه و اصول آیت‌الله آقا شیخ محمدرضا تنکابنی و در فلسفه مرحوم آیت‌الله شاه آبادی و آیت‌الله شیخ ابراهیم امامزاده زیدی بودند.

وی پس از پایان سطوح، نزدیک به دو سال در درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت‌الله تنکابنی حاضر شد و در ادامه به حوزه علمیه قم رفته و از محضر آیت‌الله العظمی سیدحسین بروجردی بهره برد. استاد گرجی در سال ۱۳۲۲ به سفارش استاد خود یعنی آیت‌الله تنکابنی برای ادامه تحصیل به نجف اشرف سفر کرد و در آنجا از دروس اساتید بزرگی همچون آیت‌الله شیخ محمدعلی کاظمینی، آیت‌الله سیدعبداله‌هادی شیرازی، آیت‌الله شیخ محمدکاظم شیرازی و به ویژه آیت‌الله العظمی سیدابوالقاسم خوئی استفاده کرد. در مدتی که در درس مرحوم آیت‌الله العظمی خوئی شرکت می‌جست، بیش از یک دوره علم اصول فقه، کتاب‌های بیع، صلوه، خمس و... از فقه و مقدمه تفسیر (علوم قرآنی) را فرا گرفت. وی در مدت حضور خود در نجف اشرف از این بزرگان (حضرات آیات خوئی، سیدعبداله‌هادی شیرازی، شیخ محمدکاظم شیرازی و کاظمینی) و شیخ محمدحسین کاشف الغطاء اجازه اجتهاد دریافت کرد. وی در سال ۱۳۳۰ به تهران مراجعت نمود و با طی مدارج علمی توانست در سال ۱۳۳۵ دوره لیسانس فقه و مبانی حقوق اسلامی (منقول) و در سال ۱۳۳۸ دوره دکتری فلسفه و حکمت اسلامی (منقول) را به پایان رساند و در سال ۱۳۴۲ از رساله دکتری خود درباره عمومات عقود و ایقاعات با درجه ممتاز دفاع کرد. استاد از آغاز تحصیل تا پایان عمر پیوسته به تدریس اشتغال داشت و به گفته خودش همه کتب تحصیلی از ادب تا اعلی را حداقل یکبار تدریس نمود. استاد گرجی پس از مراجعت از نجف در سال ۱۳۳۰ به درخواست جمعی از فضلا در مدارس علمیه از جمله مدرسه حاج ابوالفتح، مدرسه فیروزآبادی و به ویژه در مدرسه مروی به تدریس فقه و اصول (سطح و خارج) مشغول شد. مرحوم گرجی علاوه بر این، از سال ۱۳۳۶ تدریس در دانشکده الهیات دانشگاه تهران را آغاز کرد و در این عرصه با گذراندن مدارج علمی، در

استاد دکتر گرجی و دو کتاب «آیات الاحکام» و «تصحیح الذریعة الی اصول الشریعة» ۹

سال ۱۳۵۲ به درجه استادی دانشگاه تهران نائل آمد. به گفته استاد، پس از سالها حضور در دانشکده الهیات، از سال ۱۳۶۴ به طور رسمی به دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران منتقل شد و به تدریس پرداخت. البته استاد بین سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ همزمان با دانشکده الهیات، در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تدریس ادبیات عرب مشغول بوده است.

استاد گرجی در کنار فعالیتهای علمی به فعالیتهای اجرایی نیز پرداختند که مهمترین آنها ریاست دانشگاه تهران در سال ۱۳۶۱ بود. از استاد گرجی علاوه بر راهنمایی و مشاوره بیش از صد پایان نامه و رساله دوره کارشناسی ارشد و دکتری، مقالات و کتب متعددی به یادگار مانده است که از آن جمله می توان به تحقیق و تعلیق «مسائل هامه من مسائل الخلاف» (اثر شیخ طوسی)، «الذریعة الی اصول الشریعة» (اثر سید مرتضی در ۲ جلد) و «جوامع الجامع» (اثر شیخ طبرسی در ۴ جلد) و همچنین تالیف کتابهای «صرف و نحو»، «ترجمه و تلخیص عده الاصول»، «تحول علم اصول»، «تأثیر منطق در علم اصول»، «آیات الاحکام»، «مقالات حقوقی»، «تاریخچه فقه»، «تاریخ فقه و فقها» و... اشاره کرد که علاوه بر آن متجاوز از ۸۰ مقاله علمی از این استاد دانشگاه تهران تالیف و تصنیف شده است. (ر.ک دکتر ابوالقاسم گرجی استاد حوزه و دانشگاه، کیهان فرهنگی، شماره ۱۲، و زندگینامه دکتر گرجی از زبان خود ایشان، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۶ و ۷)

این مقاله به معرفی دو اثر علمی استاد گرجی یعنی کتاب تصنیفی «آیات الاحکام»^۱ و تصحیح و تعلیق «الذریعة الی اصول الشریعة»^۲ - اثر سید مرتضی علم الهدی - اختصاص دارد. در این اثر ابتدا معرفی کلی از کتاب صورت گرفته و در ادامه روش کار استاد تبیین

۱ - این اثر تصنیفی است به این معنی که استاد گرجی در این اثر مهم به بیان نظرات فقهی خود به عنوان مجتهد مطلق پرداخته است.

۲ - این کار نیز اقدامی ارزشمند به شمار می رود چرا که وی به تصحیح کتابی در حوزه اصول فقه شیعه دست زده که از نظر شخصیت مصنف آن و قدمت کتابی کم نظیر و بلکه بی نظیر است.

گردیده است، ضمن اینکه مثال‌هایی از کتاب‌ها برای آشنایی بیشتر با روش کار استاد بیان شده است.

۲- شناسایی کتاب آیات الاحکام

کتاب آیات الاحکام یکی از آثار ارزشمند مرحوم دکتر گرجی در حوزه فقه است. وی در مقدمه این کتاب ابتدا احکام فقهی را به اعتبارات مختلف دسته‌بندی کرده و برای هر یک از این موضوعات تعاریفی ارائه می‌دهد و در ادامه روش کار خود در این اثر علمی را بر مبنای همین دسته‌بندی‌ها تبیین می‌کند.

۲-۱- مفهوم آیات الاحکام

استاد گرجی معتقد است: «آیات قرآنی را که متضمن بیان احکام و تکالیف شرعی است آیات الاحکام گویند و تفسیر و تبیین مفاد این آیات را تفسیر آیات الاحکام».

۲-۲- دسته‌بندی انواع تفاسیر

به اعتقاد وی قرآن کریم دارای انواع مختلفی از تفسیر است که نوعی از آن به نام تفسیر موضوعی معروف شده است. مقصود از تفسیر موضوعی این است که مفسر تنها به تفسیر آیات مربوط به یکی از موضوعات قرآن شریف توجه داشته باشد؛ مثلاً آیات معارف، آیات اخلاق، آیات قصص و داستانها و ... تفسیر آیات الاحکام نیز قسمی از این نوع تفسیر است.

وی در رابطه با روش کار خود در این کتاب توضیح می‌دهد احکامی را که درصدد تفسیر آیات آنها برآمده عبارت از مقرراتی است که شارع مقدس اسلام در مورد افعال مکلفان و آنچه بدان مربوط است، وضع فرموده است، از قبیل وجوب انفاق زوج به زوجه، حرمت ربا و قمار، صحت بیع و اجاره و مانند اینها.

۲-۳- تقسیم احکام بر تکلیفی و وضعی

وی احکام را به اعتباری به دو دسته تکلیفی و وضعی تقسیم می‌کند. استاد گرجی در تعریف احکام تکلیفی معتقد است که این دسته احکامی هستند که به افعال مکلفان تعلق گرفته و هدف از آنها صرفاً ایجاد داعی نسبت به انجام عمل و یا ترک آن، و احیاناً ترخص در فعل و ترک است. وی همچنین احکام تکلیفی را به پنج قسم تقسیم کرده که به احکام خمسسه تکلیفیه شهرت دارند و شامل وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه می‌شوند. وی همچنین احکام وضعی را، مجعولات دیگر شارح مقدس می‌داند از قبیل: جزئیت، شرطیت، مانعیت، سببیت و مانند اینها. این احکام اگر به فعل یا ترک آن تعلق گرفته باشد منظور از آن، بعث و تحریک نیست، بلکه بیان جزئیت، شرطیت، مانعیت و اموری از این قبیل است، مانند: جزئیت حمد و سوره برای نماز و ایجاب و قبول برای عقد، شرطیت بلوغ و عقل برای احکام و مانعیت غضب و نجاست برای نماز و ...

۲-۴- دسته‌بندی احکام به اعتبار شرائط خاص

استاد گرجی پس از دسته‌بندی که ذکر شد، یادآور می‌شود که موضوعاتی که احکام به آنها تعلق می‌گیرد به اعتبار شرائط خاص آنها بر چند قسم است و هر کدام نام ویژه‌ای به خود گرفته است.

قسم اول عبادات است و آن اعمالی است که با هدف تقرب به خداوند تشریح شده و بدون قصد تقرب به طور صحیح محقق نخواهد یافت؛ مانند نماز، روزه و حج. البته در این کتاب از تفسیر آیات عبادات صرف نظر شده است چرا که موضوع کتاب آیات حقوقی به معنای متعارف است.

وی قسم دوم احکام به اعتبار شرائط خاص را معاملات می‌نامد و در تعریف آن می‌گوید که معاملات عملیاتی است حقوقی که گرچه بر خلاف قسم اول، قصد قربت در

آنها شرط نیست، ولی صحت آنها علاوه بر قصد و رضا، منوط به انشاء یعنی ابراز ما فی الضمیر به وسیله قول یا فعل است. همچنین معاملات بر دو قسم است:

الف) عقود که عبارت است از معاملات طرفینی که به قصد و رضا و انشاء هر دو طرف نیاز دارد مانند بیع، اجاره، صلح، نکاح.

ب) ایقاعات که عبارتست از اعمالی حقوقی که گرچه غالباً از بین بردن و احیاناً ایجاد رابطه‌ای است بین دو طرف ولی تنها به قصد و رضا و انشاء یکی از دو طرف نیاز دارد مانند ابراء، طلاق و نسخ.

استاد گرجی قسم سوم احکام را به اعتبار شرائط خاص، احکام به معنای اخص ذکر می‌کند که عبارتست از مقرراتی شرعی که نه به قصد قربت نیاز دارد و نه به قصد و رضا و انشاء شخص مانند احکام خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها، ارث، نجاست و طهارت. و همچنین مانند احکام جزایی شامل احکام حدود، تعزیرات، قصاص، دیات و احکام قضایی، احکام صید و ذباحت، احکام حلیت و حرمت، نجاست و طهارت.

۲-۲ روش کار

استاد گرجی در این اثر به جز آیات احکام عبادی به تفسیر سایر آیات احکام یعنی عقود، ایقاعات و احکام به معنای اخص پرداخته است که البته در بخش احکام به معنای اخص، بیشتر آیات احکام جزایی و قضایی مورد توجه است نه سایر آیات احکام مانند آیات مربوط به طهارت و نجاست و نظیر آنها.

استاد گرجی اذعان می‌کند که اگر چه از لحاظ معنای لغوی تفسیر عبارت است از ایضاح، کشف و بیان معنایی که تا حدودی خفاء و ابهام دارد و از این رو گفته‌اند: تفسیر شامل بیان معنایی که لفظ در آن نص یا ظاهراست نمی‌شود، لیکن در این کتاب، منظور، خصوص این معنی از تفسیر نیست، بلکه مقصود بیان احکامی است که از آیات استفاده می‌شود، گر چه لفظ در آن معنی، نص یا ظاهر باشد.

استاد بر اساس همین تعریف از تفسیر و همچنین تعاریفی که از دسته‌بندی‌های مختلف احکام در فقه شیعه در مقدمه کتاب ارایه می‌دهد، کتاب را به دو فصل کلی آیات الاحکام حقوقی و آیات الاحکام جزایی تقسیم کرده است.

۲-۱-۵- فصل اول؛ آیات الاحکام حقوقی

وی در این فصل آیات مرتبط با موضوعات مختلف حقوقی را ذیل عنوان یک سرفصل آورده و به تبیین آنها می‌پردازد. این فصل شامل ۳۳ دسته از آیات است که موضوعات آنها عبارتند از: عقود به طور کلی، بیع و ربا، کم فروشی، دین موجب، رهن، ضمان، صلح، جهاد، قاعده نفی عسر و حرج، وکالت، اجاره، شرکت، امانت، سبق و رمایه، غضب، اقرار، تجارت، وصیت، شهادت، حجر، عطیه، تعهد انجام عمل، نذر، عهد و پیمان، قسم، نکاح، حجاب، طلاق،ظهار، ایلاء، لعان، خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و ارث.

مؤلف در این بخش ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی عبارات مورد نیاز را در هر یک از این سرفصل‌ها به طور کامل و روان توضیح می‌دهد و در ادامه احياناً معنای لغوی و اصطلاحی انواع و مصادیق موضوعات هر سرفصلی را طرح کرده و در نهایت احکام مستنبط از آیه را طبق نظر خویش ارائه می‌دهد.

به عنوان مثال وی در تبیین آیات مرتبط با سرفصل بیع و ربا، آیه ۲۷۵ سوره بقره را ذکر می‌کند: «الذین یاکلون الربا لایقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل الربوا و احل الله البیع و حرم الربوا فمن جاءه موعظه من ربه فانتهی فله ما سلف و امره الی الله و من عاد فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون». (البقره، ۲۷۵)

در ادامه مؤلف، به تبیین معنای لغوی و اصطلاحی فقهی عباراتی چون اکل، ربا، قیام، حل و بیع پرداخته و سپس احکام مستنبط از آیه را که شامل اباحه بیع، صحت بیع، لزوم بیع، معتبر نبودن قیود مشکوک الاعتبار (اعم از وجودی و عدمی)، حرمت تکلیفی ربا و

فساد رباست، بیان کرده و توضیح می‌دهد. البته در پایان این بخش سایر آیات مربوط به موضوع ربا آورده شده است. (آیات الاحکام، ۲۱ - ۳۳)

وی در رابطه با حکم ضمان به آیه ۷۲ سوره یوسف «ولمن جاء به حمل بعیر و انا به زعیم» (یوسف، ۷۲) - برای هرکس که آن (ظرف) را بیاورد یک بار شتر است و من هم ضامن آن هستم - اشاره می‌کند و در توضیح آن می‌گوید: ضمان، تعهد به پرداخت بدهی دیگری است و آیه مذکور دلیل مشروعیت عقد ضمان است. عقد ضمان شبیه به عقد حواله و کفالت است لکن در ضمان، تعهد به پرداخت دین از سوی کسی است که بدهکار نیست ولی در حواله، تعهد پرداخت دین از سوی کسی است که بدهکار است و کفالت نیز تعهد است لیکن نه به پرداخت دین، بلکه به احضار نفس. همچنین بر اساس آیه مذکور چیزی را که حضرت یوسف (ع) به آن متعهد شده است، یعنی پرداخت پاداش یا مزد شخصی در ازای انجام کاری (مثل پیدا کردن جام پادشاه در قصه حضرت یوسف) را جعاله می‌گویند. (آیات الاحکام، ۵۲)

استاد گرجی همچنین در رابطه با احکام کم فروشی به آیه ۱ تا ۳ سوره مطففین اشاره می‌کند: «ویل للمطففین الذین اذا اکتالوا علی الناس یتستوفون و اذا کالوهم او وزنوهم یخسرون» (المطففین، ۱-۳) سپس در ادامه با اشاره به معنای واژگانی همچون "ویل"، "اکتئال" و مفهوم عبارت «علی الناس» به بیان احکام مستنبط از آیه می‌پردازد. این احکام سه مورد شامل حرمت تکلیفی تطئیف، فساد اجاره متعلق به تطئیف و بطلان بیع در مقابل جزء مقصود می‌باشد. البته در این بخش نیز همچون بسیاری از بخش‌های دیگر، به آیه یا آیات دیگر مرتبط با بحث کم فروشی از جمله آیات ۸۴ و ۸۵ سوره هود اشاره شده است. (آیات الاحکام ۳۴ - ۳۶).

۲-۵-۲- فصل دوم، آیات الاحکام جزایی

وی در این فصل آیات مربوط به چهار موضوع اصلی حدود، قصاص، دیه و قضاء و شهادت را ذکر کرده و پس از بررسی معنای لغوی و اصطلاحی فقهی هر یک از این

موضوعات یا مصادیق و انواع این موضوعات، به صورت مختصر و موجز به بیان احکام مستنبط از این آیات می‌پردازد.

وی در بخش حدود، آیات مرتبط با عمل شنیع، زنا، قذف، سرقت، محاربه و حرمت قتل نفس را به تفکیک بیان کرده و به احکام مستنبط از آنها اشاره می‌کند.

به عنوان مثال در رابطه با آیه دوم سوره نور مرتبط با حد زنا کار که فرموده است: «الزانیة و الزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة و لا تاخذکم بهما رافة فی دین الله ان کنتم تومنون بالله و الیوم الاخر و لیشهد عذابهما طائفة من المؤمنین». (النور، ۲)

اینگونه اظهار می‌دارد که سوط به معنای خود تازیانه و جلد به معنای تازیانه زدن است. مقصود از عذاب در آیه شریفه، حد زناکار است. یعنی: در وقت اجرای حد زنا، باید دسته‌ای از مردم با ایمان حاضر بوده و اجرای حد را ببینند. در مورد مصداق طائفة که در آیه فوق ذکر شده اختلاف کرده‌اند، برخی از علما حداقل آن را دو نفر دانسته‌اند. (آیات الاحکام ۱۸۲ و ۱۸۳)

درجایی دیگر در رابطه با حد سرقت (سارق) نیز به آیه ۳۸ سوره مائده اشاره می‌کند: «والسارق و السارقه فاقطعوا ایدیهما جزاء بما کسبا نکالا من الله و الله عزیز حکیم» (المائده، ۳۸) سپس توضیح می‌دهد که چون آیه شریفه فوق، اطلاق دارد، لذا فقهای عامه و خاصه در مورد کیفیت قطع دست، اختلاف نظر دارند. عده از اهل تسنن به قطع دست از مچ، عده‌ای از آرنج و عده‌ای به قطع از بالای بازو قائل هستند. ولی فقهای شیعه بر این اساس که اعتقاد دارند تفصیل حکم را باید از روایات ائمه (ع) جست، قائل به قطع چهار انگشت هستند.

البته درباره مفهوم خود قطع نیز اختلاف وجود دارد و در این بین گروه قلیلی معتقدند مقصود از قطع، جرح است و عده اندکی دیگر اعتقاد دارند که مقصود از قطع، پیشگیری از دزدی است. استاد در ادامه تاکید می‌کند که اجرای حد شرایط بسیاری دارد و در برخی کتب تا ۲۰ شرط برای آن ذکر شده، لذا در تاریخ اسلام ملاحظه می‌شود که کیفر قطع دست، خیلی کم اجرا شده است. (رک آیات الاحکام، ۱۸۵)

لازم به ذکر است، کتاب آیات الاحکام اثر دکتر ابوالقاسم گرجی در یک مجلد توسط نشر میزان به چاپ رسیده است.

۳- شناسایی الذریعة الی اصول الشریعة

اصل این اثر توسط مرحوم سید مرتضی علم الهدی (ره) تصنیف شده و استاد گرجی نیز کار تصحیح، مقدمه و تعلیقات این کتاب را که در رابطه با اصول فقه شیعه نگارش گردیده بر عهده گرفت. به گفته مرحوم دکتر گرجی کتاب مذکور قدیمی‌ترین و مهم‌ترین تالیف در اصول فقه شیعه - احیانا از لحاظ قدمت - محسوب می‌شود.

۳-۱- روش کار

استاد گرجی در مقدمه این اثر ضمن ترجمه و شرح حال مولف آن - یعنی سید مرتضی علم الهدی (ره) - به خصوصیات نسخی که مورد استفاده قرار گرفته اشاره نموده و سپس روش کار خود در تصحیح و تعلیقه نویسی این اثر و... را توضیح داده است.

۳-۲- شرح حال سید مرتضی

در رابطه با شرح حال یا ترجمه مرحوم سید مرتضی علم الهدی (ره) اغلب از کتاب «ادب المرتضی» تالیف «دکتر عبدالرزاق محی‌الدین» استفاده شده که ظاهرا به عنوان رساله دکتری تالیف یافته و در سال ۱۹۵۷ در بغداد مطبوعه المعارف به چاپ رسیده است. در این بخش اشاره شده که مصنف، در سال ۳۵۵ هجری از زنی به نام فاطمه در بغداد تولد یافت و پدرش ابواحمد موسوی نام او را علی نهاد و بعدها به القابی چون مرتضی، علم الهدی، ذوالمجدین، ذوالثمانین یا ثمانینی شهرت یافت. وی بی‌شک یکی از بزرگترین دانشمندان شیعه امامیه محسوب می‌شود و چنان که از تصنیفات و تالیفات بسیار او به دست می‌آید، در بسیاری از علوم عصر خویش چون کلام، فقه، اصول، تفسیر، فلسفه الهی، فلک، انواع

ادب از لغت، نحو، معانی، انشاء، شعر و ... استادی ماهر بلکه یگانه عصر خویش بوده است. اما کوشش خود را بیشتر به فقه و کلام و ادب اختصاص داده است. روش او در اصول پیروی از دلیل عقل بود و از این رو نه تنها با اشاعره بلکه حتی با ظاهریان از امامیه نیز مخالفت می‌کرد. در فقه به خبر واحد عمل نمی‌کرد و در استنباط احکام از ادله اصولیه لفظیه و عقلیه استفاده می‌کرد و لذا با محدثین و اخباریین از امامیه نیز موافقت نداشت. او از منزلت والای علمی و اجتماعی بهره می‌برد و از مهمترین اساتید وی می‌توان به عبدالرحیم بن نباته خطیب، محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید، محمد بن عمران الکاتب، حسین بن علی بن الحسین معروف به وزیر مغربی، ابوالقاسم علی بن حبشی الکاتب، سهل بن احمد الدیاجی و حسین بن علی بن الحسین بن بابویه القمی (برادر شیخ صدوق) اشاره کرد.

وی شاگردان برجسته‌ای را تربیت کرد که در این بین محمد بن حسن بن علی الطوسی معروف به شیخ طوسی، حمزه بن عبدالعزیز الدیلمی، ابوالفتح محمد بن علی الکرآجکی و ... قرار دارند. مرحوم سیدمرتضی علم الهدی که در سال ۴۳۶ ه. ق وفات یافت دارای آثار علمی متعددی نظیر الانتصار، الناصریات، الشافی فی الامامه، تنزیه الانبیاء، مساله فی العصمه، الفرر و الدرر یا امالی مرتضی و ... می‌باشد. البته استاد گرجی در تدوین شرح حال سید مرتضی از کتب دیگری همچون «الکامل ابن اثیر»، «المنتظم، ابن الجوزی»، «شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید»، «اعیان الشیعه، امین عاملی»، «وفیات الاعیان، ابن خلکان» و ... استفاد کرده است.

۳-۳- نسخ مورد رجوع

استاد گرجی در تصحیح این کتاب از سه نسخه استفاده کرده و تأکید می‌نماید که هیچ‌یک از این نسخه‌ها نه از لحاظ قدمت، نه از لحاظ صحت، نه از لحاظ حسن خط و نه از جهت مقابله بانسخه‌ای و یا قرائت برکسی، دارای امتیاز ویژه‌ای نیستند. این سه نسخه عبارتند از:

الف) نسخه‌ای که یکی از اساتید دانشگاه در اختیار قرار داده است. این نسخه دارای ۱۵۳ برگ و هر صفحه آن دارای ۲۱ یا ۲۲ سطر است و کتابت آن به خط «الحسن بن المحسن بن الحسن الحسینی الاعرجی» در سوم رمضان ۱۲۲۴ هجری قمری به پایان رسیده است. این نسخه با دو نسخه دیگر از جهاتی اختلاف دارد. مثلاً در این نسخه غالباً برخلاف دو نسخه دیگر رعایت تطابق فعل و فاعل از لحاظ تذکیر و تانیث شده است و نیز در برخی از موارد به جهت رعایت بعضی از مناسبات در بعضی از کلمات تقدیم و تاخیر به عمل آمده است و همچنین بعضی تغییرات دیگر به عمل آمده که به نظر استاد گرجی مغل به معنی نبوده ولی قواعد ادبی بهتر رعایت می‌شده است و شاید در بعضی موارد تا حدی موجب اخلال لفظی یا معنوی شده است.

ب) این نسخه که اصل آن در کتابخانه آستان قدس است و دانشگاه تهران از آن عکسبرداری کرده، به خط علی بن احمد الحسینی المدنی الاحسائی نگارش شده است. اغلاط این نسخه از دو نسخه دیگر بیشتر است، ضمن اینکه سقط آن بسیار و گاهی به چند سطر بلکه به چند صفحه می‌رسد.

ج) نسخه‌ای است متعلق به کتابخانه دانشگاه تهران بد خط و ناخوانا، دارای ۱۱۷ برگ و هر صفحه ۲۳ سطر و نویسنده آن فردی بنام «ابن محمدصادق شریف» است که ظاهراً کتابت آن را در تاریخ ۱۸ رجب ۱۲۳۸ به پایان رسانده است.

۴-۳- تصحیح

در این اثر با توجه به این که هیچ یک از نسخه‌ها به نظر مصحح از مزیت قابل توجهی نسبت به سایر نسخ برخوردار نبوده است، لذا آنچه صحیح یا ارجح به نظر رسیده از هر نسخه - به نظر مصحح - در متن و غیر آن در پاورقی قرار گرفته و تنها در صورتی نسخه "الف" مقدم گشته که نسخ با اختلاف تعبیری که دارند از لحاظ مفاد یکی بوده باشند. در صورتی که همه نسخه‌ها غلط بوده نیز به یکی از دو طریق عمل شده است:

یا اینکه همان غلط در متن نهاده شده و در پاورقی به صحیح آن اشاره شده است و یا اینکه آنچه صحیح به نظر رسیده در متن و در پاورقی، به غلط بودن نسخه تعرض گردیده است. ضمن اینکه نسخه بدل‌هایی که در بعضی از نسخ در حاشیه و یا بین سطور نوشته شده به پاورقی برده شده و با علامت (خ ل) مشخص شده است و در بعضی از موارد غلط بعضی از نسخ نیز به تبعیت از مرسوم به پاورقی برده شده است.

البته به گفته استادگرجی، در تصحیح این کتاب - گذشته از خود نسخ - از کتب متعدد دیگری در لغت و اصول چون قاموس، لسان العرب، اقرب الموارد، فرائد الادب، تهذیب، نهایت الاصول، معالم، قوانین، فصول، ضوابط و کتب دیگر استفاده شده است ولی مهمترین کتابی که مورد استفاده قرار گرفته، کتاب «عده الاصول» شیخ طوسی است. چرا که این کتاب، با کتاب حاضر چه از لحاظ معنی و چه از لحاظ لفظ نهایت تشابه و همانندی را دارد و به نظر مصحح، بیش از هر کتاب دیگری می‌تواند به تصحیح کتاب حاضر کمک کند.

۳-۵- کیفیت تصحیح و علامات به کار گرفته شده

قسم اول: اینکه کلمه و یا جمله‌ای در یکی از نسخ از لحاظ ماده و یا هیات با نسخه‌ای که در متن قرار گرفته مغایر باشد، در این صورت شماره مخصوص پاورقی را در متن پس از آن کلمه و یا جمله قرار داده و در پاورقی پس از شماره و علامت معروف نسخه (الف، ب، ج) خصوص همان کلمه و یا جمله مغایر قرار داده شده و ضمناً همواره در پاورقی بین شماره و علامت نسخه خط افقی (-) و بین علامت نسخه و خود نسخه دو نقطه (:) نهاده شده و گاه به جهت زیادت توضیح در پاورقی به اینکه این کلمه و یا جمله به جای چه کلمه و یا چه جمله‌ای است، تصریح گردیده است.

قسم دوم: اینکه نسخه‌ای فاقد کلمه یا جمله‌ای باشد که در متن ذکر شده، در این صورت در پاورقی پس از شماره پاورقی و علامت نسخه و دو نقطه فاصل (:) این علامت (-) نیز نهاده شده و پس از آن کلمه یا جمله مفقود ذکر می‌گردد.

قسم سوم: اینکه نسخه‌ای واجد کلمه یا جمله‌ای باشد که نسخه متن فاقد آن کلمه یا جمله است، در این صورت شماره پاورقی در متن در جایی قرار گرفته که اگر آن کلمه و یا جمله وجود داشت در آنجا قرار می‌گرفت و پاورقی از هر جهت مانند قسم دوم است، جز اینکه در این قسم به جای علامت منها (-) علامت به علاوه (+) قرار می‌گیرد و پس از آن کلمه و یا جمله زائد واقع می‌شود.

قسم چهارم اینکه عبارت همه نسخ نادرست باشد، در این صورت به یکی از دو طریق تصحیح به عمل آمده که بدان اشاره شد و حاصل اینکه یا صحیح را در متن گذارده و در پاورقی به غلط بودن نسخ اشاره می‌گردد و یا بالعکس نسخه در متن قرار می‌گیرد و در پاورقی به صحیح آن اشاره می‌شود.

۳-۶- تحشیه و تعلیق

به گفته مصحح، وی در ابتدا در نظر داشته در هر مساله نظر دانشمندان معاصر و یا در بعضی موارد نظرات خود را نیز در ذیل صفحات اضافه نماید، ولی در ادامه اولاً به دلیل کثرت مشاغل و ثانیاً به دلیل اینکه متن کتاب اصالت خود را از دست ندهد، از این کار منصرف شده است. لکن در عین حال در برخی موارد از حواشی مفید توضیحی، رفع اجمال بعضی عبارات، ذکر برخی نکات و بیان معانی بعضی از لغات، غفلت نورزیده است.

۳-۷- اعراب گذاری

استاد گرجی در این بخش نهایت سعی خویش را به کار گرفته و تنها به «اعراب» اکتفا نکرده، بلکه بخش مهم حرکات و سکونات کلمات را - به ویژه آنچه را که از کلمه رفع اجمال می‌نماید - قرار داده است. به عقیده وی، عدم اعراب گذاری در پاره‌ای از موارد متضمن دشواری‌هایی است که گاه ممکن است انسان را بین دو محذور قرار دهد، مثلاً در مورد حرکت همزه «ان» در صورتی که در صدر جمله مفعول به «قول» قرار گیرد،

متعارف و شایع در کتب ادبی کسر همزه است، ولی به طور قطع بر حسب قاعده کسر در صورتی است که «قول» به معنی رای و اعتقاد نباشد و الا فتح متعین است. بنابراین در کتب علمی که «قول» غالباً به معنی رای و اعتقاد است، کسر همزه «ان» پس از آن بر خلاف قاعده و فتح آن برخلاف متعارف است، لذا وی در اوائل کتاب به تبعیت از متعارف در این گونه موارد همزه «ان» را کسر داده و در اواسط به رعایت قاعده فتحه را ترجیح داده، ولی چون فتحه نامانوس بوده، بالاخره به متعارف بازگشته است. (رک الذریعة الی اصول الشریعة، تصحیح و مقدمه و تعلیقات ابوالقاسم گرجی، ۱ - ۴۸)

۳- نقطه گذاری

در این قسمت منبع اطلاع مصحح، جز مراجعه به نوشته‌های دیگران چیزی نبوده است و کار وی در این بخش خالی از نقص نیست لیکن هر چه به پایان کتاب نزدیک‌تر می‌شویم، تا حد زیادی نقائص کاهش یافته است.

کتاب الذریعة الی اصول الشریعة، خود بیش از یک مجلد نیست، ولی به دلیل پرهیز از قطور شدن کتاب به واسطه وجود مقدمه مفصل و فهرست کتاب‌ها و ... در دو جلد به چاپ رسیده است. جلد نخست تا پایان مباحث نسخ و جلد دوم از ابتدای مباحث خبر آغاز شده است. برای این کتاب توسط مصحح فهرستی نیز تهیه شده است. کتاب مذکور در دو جلد از سوی انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- علم الهدی، سید مرتضی، الذریعة الی اصول الشریعة، تصحیح و مقدمه و تعلیقات ابوالقاسم گرجی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ هـ.ش.
- ۳- گرجی، ابوالقاسم، آیات الاحکام، تهران، نشر میزان، بی تا.

۲۲ // پژوهش دینی - شماره بیست و سوم (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)

۴- گرجی، ابوالقاسم، استاد حوزه و دانشگاه، کیهان فرهنگی، شماره ۱۲، اسفند سال ۱۳۶۳

۵- گرجی، ابوالقاسم، زندگی نامه ابوالقاسم گرجی از زبان خود ایشان، کتاب ماه علوم اجتماعی،

شماره ۶ و ۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷.